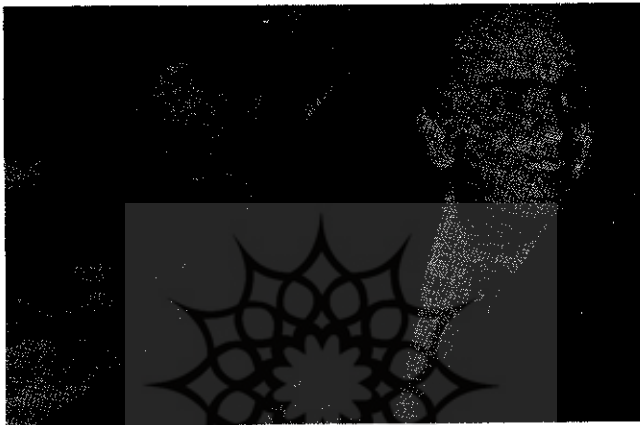




# روزنه

● کارل ساگان اخترشناس و نویسنده نامدار کتاب‌های علمی درگذشت



کارل ساگان در شصتمین سالروز تولد خود

کارل ساگان (Carl Sagan) اخترشناس و داستان‌سرای خوش‌قریحه که عظمت و رازناکی جهان را در سخنرانی‌ها، کتاب‌ها و سریال‌های تلویزیونی خود، مورد کاوش قرار داده بود، پس از دو سال مبارزه با بیماری مغز استخوان، در شصت و دوسالگی در نیویورک درگذشت. مرکز تحقیقات سرطان‌شناسی هاچین‌سان (Hutchinson) علت بیماری کارل ساگان را «رشد غیرطبیعی گلبول‌های سفید مغز استخوان» تشخیص داده است. ساگان که در نیویورک زندگی می‌کرد. اخترشناسی را به میان میلیون‌ها تن مردم ساده برد و آن‌ها را با قلم شیوا و پرشور خود مسهور ساخت.

کارل ساگان در سال ۱۹۸۷ جایزه پولیتزر ادبیات را به خاطر نگارش کتاب «ازدهای بهشت» (The Dragons of Eden) که در آن به‌تعمق در تکامل هوش انسانی پرداخته بود، کسب کرد. در سال ۱۹۸۰ مجموعه علمی سیزده قسمتی «کیهان» که متن آن را نوشته بود، از تلویزیون ایالات متحده آمریکا پخش شد و او را به یک شخصیت ملی مبدل ساخت.

کارل ساگان، ضمن نگارش کتاب‌های علمی و متون برنامه‌های تلویزیونی به‌زبان غیرتخصصی، پژوهش‌های جدی علمی خود را تعقیب می‌کرد. «از کودکی عمیقاً به کارهای

علمی تمایل داشتیم. می خواستم طبیعت را مورد کنکاش قرار دهم و از راز عملکرد پدیده‌ها آگاه شوم. جست و جوی علمی تنها چیزی بود که به من شور و اشتیاق می بخشید. انسان وقتی عاشق مطالب علمی است، می خواهد که عشق خود را به گونه‌ای بیان کند که همه مردم آن را درک کنند.» در دهه ۱۹۶۰، کارل ساگان ضمن تدریس اخترشناسی در دانشگاه هاروارد به نمونه‌سازی آزمایشگاهی دست زد و نتیجه گرفت که تغییرات رنگ سیاره زمین نتیجه تغییر فصول، و تیرگی و روشنایی سیاره مریخ نتیجه وزش بادهای شدید و سهمناک در این سیاره است.

از دهه ۱۹۵۰، پس از آنکه ناسا در مأموریت‌های فضائی، آدم‌واره‌ها را به خدمت گرفت. ساگان با استفاده از نتایج این پژوهش‌ها و به کمک نمونه‌سازی، به تحقیق درباره توفانهای غباری مریخ و تأثیر گلخانه‌ای سیاره ونوس پرداخت.

کارل ساگان از بیست و دو سالگی به نگارش آثار علمی پرداخت و سی‌امین کتاب او تحت عنوان «و شیطان دنیا را تسخیر کرد» (Demon Haunted World) در پائیز ۱۹۹۵ منتشر شد. رمان علمی او تحت عنوان «تماس» (Contact) در سال ۱۹۸۵ منتشر و به عنوان پرفروشترین کتاب سال برگزیده شد.

مجموعه تلویزیونی «کیهان» که کارل ساگان متن آن را با همکاری همسرش «آن درویان» (Ann Druyan) نوشته است، پانزده میلیارد سال تاریخ تکامل جهان را - از ماده به زندگی و از زندگی به شعور - مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار می دهد. این مجموعه را پانصد میلیون نفر در شصت کشور جهان تماشا کردند. کتاب این مجموعه تلویزیونی، هفتاد هفته، عنوان پرفروشترین کتاب و پانزده هفته عنوان بهترین کتاب را به خود تخصیص داد.

در سال ۱۹۹۴، مجموعه تلویزیونی «کیهان» مجدداً و این بار تحت عنوان «ذره‌ای به رنگ آبی آسمانی» (Pale Blue Dot) ادامه یافت و در آن موقعیت آتی انسان در فضا مورد بررسی قرار گرفت. ساگان ضمن توصیف زندگی انسان در طی سده‌های آینده، نتیجه گرفت که انسان برای تداوم زندگی، مجبور خواهد بود به سیاره‌های دیگر سفر کند.

ساگان که در سال ۱۹۳۴ در نیویورک متولد شد، می گفت: «همه انتظار داشتند من شغل پدر روس خودم، یعنی پارچه‌بافی را ادامه دهم، اما در دوران تحصیل در دبیرستان، تصمیم گرفتم که به اخترشناسی روی آورم. گرچه والدین من از علم اطلاع چندانی نداشتند، اما روح جویندگی و شک‌گرایی علمی را در من دیدند.»

کارل ساگان تحصیلات کارشناسی خود را در رشته فیزیک در سال ۱۹۵۴ به پایان رساند و در سال ۱۹۶۰، به اخذ مدرک دکترای اخترشناسی و اختر-فیزیک نایل گردید.

در فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی خود، کارل ساگان خواستار افزایش بودجه مأموریت‌های فضائی و نیز اتخاذ تدابیر جدی برای جلوگیری از آسیب دیدگی لایه اوزن بود.

ایران نیوز - ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶

ترجمه خسرو باقری

## ● «وحشت در افغانستان»

آنتونی اسپید (Anthony Spaeth)

در دبیرستان دخترانه مالالی (Malali) پنجره‌ها شکسته و نیمکت‌ها خرد شده‌اند، پوستر روی دیوار نیز نسبت به انفجار ناگهانی بمب یا مین‌های منفجر نشده محوطه مدرسه هشدار می‌دهد. با این همه تا همین هفته پیش، علی‌رغم چهارسال و نیم جنگ داخلی، هنوز پانصد دختر دانش‌آموز، در این دبیرستان نیمه ویران به تحصیل تاریخ، ریاضیات، علوم و زبان فرانسه مشغول بودند.

اما با پیروزی گروه طالبان در جنگ قدرت افغانستان، دیگر امکانی برای سوادآموزی دختران افغانی وجود ندارد. رئیس دبیرستان مالالی می‌گوید:

«هنگامی که درهای دبیرستان را قفل

می‌کردند، من عمیقاً می‌گریستم. یک ملا به همراه چند عضو مسلح طالبان به دبیرستان آمدند و کلیدهای آن را تحویل گرفتند. آن‌ها گفتند: این دبیرستان، از این پس به مدرسه امور مذهبی مخصوص پسران تبدیل خواهد شد.»

طالبان گروهی متشکل از دانشجویان علوم دینی و روحانیون و گروه‌های مسلح افغانی است که از دو سال و نیم پیش در جامعه افغانستان ظاهر شدند و اکنون هفتاد و پنج درصد خاک این کشور را در کنترل خود دارند. در هفته اول تسلط این گروه بر افغانستان، مدارس دخترانه بسته و زنان شاغل از حضور در سرکارهای خود منع شدند. به مردان چهل و پنج روز فرصت داده شد تا ریش بگذارند و به‌راندگان تاکسی‌ها و اتوبوس‌ها دستور اکید داده شد که پنج بار در روز کار خود را رها کرده، به‌ادای نماز در مساجد بپردازند. عکس‌گرفتن از صورت انسان ممنوع شده و کلیه کارکنان دولت پیشین از مشاغل خود معزول شده‌اند: خانم میانسال که خانه‌اش در جریان جنگ‌های داخلی افغانستان ویران شده است، می‌گوید: «و حالا طالبان می‌خواهند روح مردم افغانستان را نیز نابود کنند.»

ملا محمد عمر، روحانی پیشین و رهبر کنونی طالبان که به همراه سایر همفکرانش بر افغانستان حکومت می‌کند، هنوز در مجامع عمومی ظاهر نشده است. یک گروه شش نفره که از طرف وی تعیین شده است، تا تشکیل دولت جدید، عهده‌دار امور کشور خواهد بود هنگام

مصاحبه مطبوعاتی شیرمحمد - یکی از این شش تن و مسئول موقت وزارت امور خارجه - از حضور خبرنگاران زن در جلسه ممانعت به عمل آمد. معاون شیرمحمد در توجیه این اقدام گفت: «شیرمحمد نباید صدای زنان را بشنود».

ساکنان کابل، از حضور نیروهای طالبان در این شهر بیمناک و نگرانند. در اولین جمعه حاکمیت طالبان، نیروهای مسلح این گروه، مردم را به زور وادار به شرکت در مراسم نماز جمعه کردند. تاکنون، طالبان هیچ برنامه روشنی را برای اداره کشور ارائه نداده‌اند. دادگاه‌ها به شیوه بی‌رحمانه‌ای عمل می‌کنند و افراد متهم را به سهولت و سرعت به چوبه دار می‌بندند.

بی‌بی، سرایدار دبیرستان ملالی، نمی‌داند چه کند. همسرش پیرمردی بیمار و خانه‌نشین است و پس از تسلط طالبان، به‌او نیز اجازه خروج از منزل را نمی‌دهند. او درحالیکه اشک می‌ریزد، می‌گوید: «دیگر نمی‌توانم کار کنم، دیگر نمی‌توانم از خانه بیرون روم.» شرایط زندگی برای تقریباً بیست و پنج هزار زن بیوه افغانی، که همسران خود را در جریان جنگ‌های افغانستان از دست داده‌اند، بی‌نهایت دشوار و دردناک است. بی‌بی می‌گوید: «آن‌ها برای نان روزانه خود و خانواده‌شان باید کار کنند، اما حالا، حتی نمی‌توانند از منازل خود خارج شوند.»

هفته‌نامه تایم - ۱۴ اکتبر ۱۹۹۶

ترجمه: مهرا ن آذر مهر

#### ● ابراز یک عقیده محکم درباره برابری:

در تابستان سال ۱۹۷۶، درست بعد از مراسم بزرگداشت سال جهانی زنان، تصمیم گرفتم با زنان روستایی پیرامون ارتباطات اجتماعی و عوامل مؤثر در زندگی ایشان صحبتی داشته باشم. یک روز صبح، در محوطه یک واحد بهداشت روستایی، واقع در بخش مرکزی تونس، با گروهی از زنان روستایی مشغول صحبت بودم. در همان موقع زن کولی چادرنشینی که در مزارع نزدیک محل در حال جمع کردن علوفه بود، به طرف ما آمد و تقریباً با خشونت رو به من گفت:

«چرا از همه این زن‌ها سؤال می‌کنی، اما از من چیزی نمی‌پرسی؟»

شگفت زده و کنجکاو دعوتش کردم که به جمع ما بپیوندد. او که حالا دیگر خشنود به نظر می‌رسید، نشست و مشتاقانه به سؤالات من درباره اوضاع خانواده و زندگی اش پاسخ داد. او گفت که دام‌دار هستند و گله‌های خود را همراه کارگرانی که به کار می‌گیرند، از مراتع مختلف - از جنوب تا شمال - عبور می‌دهند و چراگاه‌های فصلی را می‌یابند.

از او پرسیدم: با این وضع، می‌توانید فرزندان‌تان را به مدرسه بفرستید؟ به نظر می‌رسد شما دائماً در حال حرکت هستید.

زن کولی مغرورانه پاسخ: بله.

با تأکید پرسیدم: آیا همه فرزندان‌تان، چه دختر و چه پسر را؟ او طوری به من نگاه کرد که انگار عقل از سرم پریده است و گفت:

البته.

و این کلمه را کاملاً حساب شده دوباره تکرار کرد: البته.  
و سپس گویی که با یک فرد عامی و بی سواد گفت و گو می کند ادامه داد: در تمام دنیا یک سال به عنوان سال زنان در نظر گرفته شده است. بنابراین زن ها حالا مهم هستند. البته که من دخترانم را به مدرسه می فرستم. P.H.

Special Issue for the fourth world conference on women.

به نقل از: CHOICES

مژگان نعمت الهی

### ● برخلاف تصور، زنان سوئدی هنوز از تساوی واقعی بسیار دورند

استکهلم - سوئد (رویتر): زنان سوئدی ممکن است در امور سیاسی به تساوی دست یافته باشند، اما هنوز بیشتر از مردان به نظافت منزل، آشپزی و مراقبت از بچه ها مشغولند و در زندگی اقتصادی کشورشان، تأثیر اندکی دارند یا اصولاً بی تأثیرند. بنابر آخرین اطلاعات و بررسیها، سوئد یکی از نمونه کشورهایی است که بنا بر نظر سازمان ملل، زنان و مردان در آنجا از بیشترین تساوی و زنان از حق سقط جنین و نگهداری کودکان توسط دولت در ساعات کار برخوردارند، با وجود این تا تساوی واقعی زن و مرد، راهی طولانی در پیش دارد.



خانم کریستینا هالتبوم (Christina Hultbom) استاد اقتصاد دانشگاه آپسالا (Uppsala) می گوید: «تساوی در سوئد افسانه است». هالتبوم که ریاست مرکز پژوهش «حضور زنان در مشاغل مختلف» را عهده دار است می گوید: «درست است که زنان کار می کنند، اما مشاغل آنها عمدتاً موقتی و دفتری است و هنوز در مقایسه با مردان از درآمد کمتری برخوردارند.»  
با آنکه امروزه، اکثریت زنان سوئدی کار می کنند، اما هنوز از تصدی مشاغل پرنفوذ و اجرایی که در کنترل مردان است، برکنارند و درحالی که ۲۴۰ شرکت در سوئد فعالیت دارند، تنها

مدیر یکی از این شرکتها زن است.

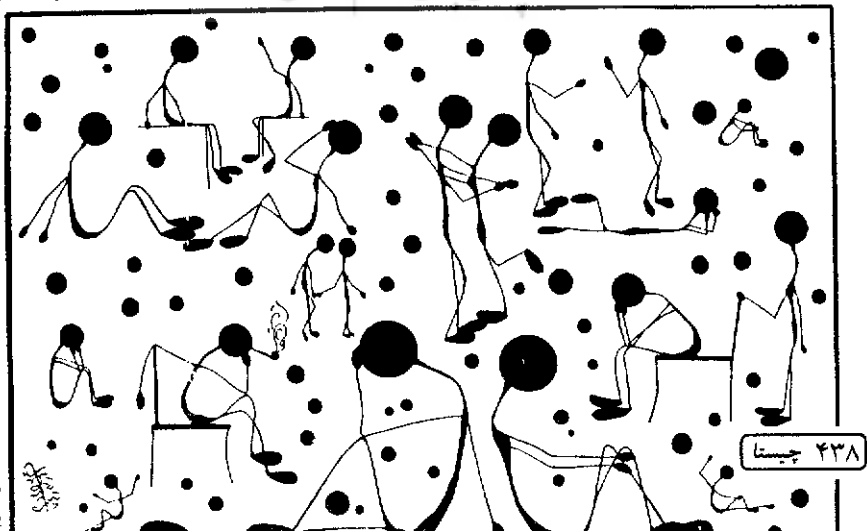
از نظر کسی که از بیرون به جامعه سوئد نگاه می‌کند، بسیار جالب است که نیمی از اعضای دولت نخست‌وزیر سوئد گوران پیرسن (Goran Persson) را، زنان تشکیل می‌دهند. خانم (آرانیکل) سخنگوی «پژوهشگاه تساوی زنان سوئد» می‌گوید: «تساوی موجود سیاسی در جامعه ما نشان می‌دهد که زنان سوئدی در زمینه کسب تساوی کامل زن و مرد به پیشرفتهای بزرگی نائل آمده‌اند.»

با نگاهی دقیق به سمت وزیران زن در کابینه، آشکار می‌شود که در مقایسه با مردان، زنان بیشتر مسئولیت وزارتخانه‌های معتدلی چون وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ، محیط زیست و مسائل مربوط به تساوی حقوق و امور اجتماعی را برعهده دارند. هالوم می‌گوید: «بخشی از مسئولیت عدم تساوی کامل زن و مرد به عهده مردان است که همچنان از قدرت خود پاسداری می‌کنند. در هرجامعه‌ای مشاغلی وجود دارد که قدرت، شأن و توان مالی همراه می‌آورد، و مردان آشکارا، این مشاغل را برای خود نگه می‌دارند.» او ادامه می‌دهد: «در ضمن زنان نیز قابل سرزنشند زیرا در همان حال که مایلند شغل تمام وقت خود را داشته باشند، به نقش سنتی خود به عنوان مادر و همسر نیز چسبیده‌اند.»

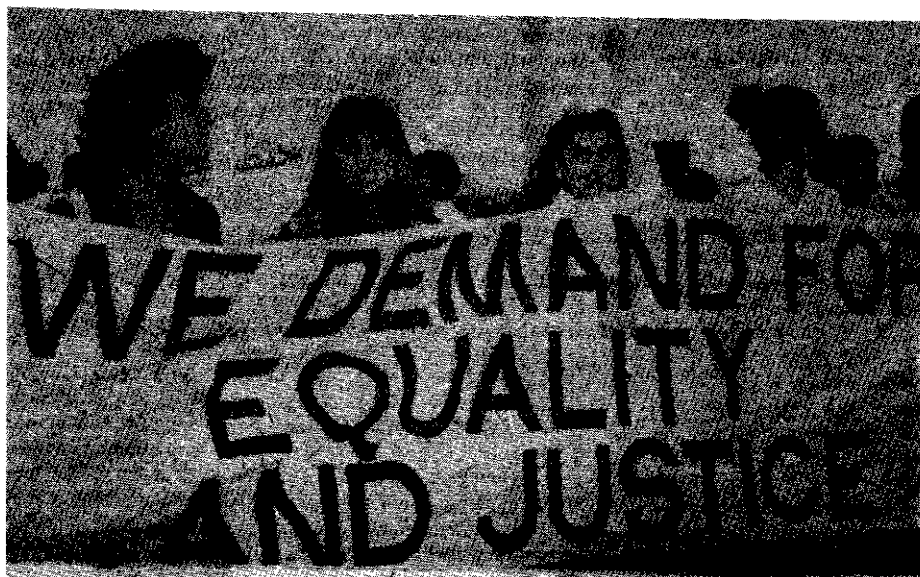
خانم هالوم می‌گوید: «زنان ما وظایف سنگینی را به دوش می‌کشند. آن‌ها مجبورند، به طور تمام وقت کار کنند، از بچه‌ها و والدین کهن سال خود مواظبت کنند و عملاً تمام کارهای مربوط به نظافت و آشپزی نیز به عهده آن‌هاست.» آمار رسمی کشوری نیز نظر او را تأیید می‌کند. براساس اطلاعات «اداره مرکزی آمار سوئد»، زنان سوئد هنوز بیش از ۳۰ ساعت در هفته کار خانه بدون دست‌مزد انجام می‌دهند، در حالی که این مدت برای مردان ۲۰ ساعت است. زنان اوقات بیشتری را از مردان، صرف آشپزی، تمیز کردن منزل، شست و شو، اتوکاری و نگهداری از بچه‌ها می‌کنند. اما مردان به طور سنتی، بیشتر در محل کار، اضافه کاری می‌کنند و دست‌مزد می‌گیرند و تقریباً یک ساعت در هفته را نیز صرف کارهای تعمیراتی و باغبانی می‌کنند.

زنان شاغل و هوادار تساوی زن و مرد در محیط‌های کار نیز با تنگناهای اجتماعی مواجه‌اند.

تهران تایمز - ۱۵ اکتبر ۱۹۹۶ ترجمه خسرو باقری







کویت - ۷ اکتبر - زنان کویتی در نزدیکی مرکز انتخابات کویت، ضمن شرکت در اجتماع، حق رأی و شرکت در مبارزات انتخاباتی را خواستار شدند. تنها مردان حق داشتند برای گزینش ۵۰ نماینده از ۲۳۰ نامزد مرد، درپسای صندوقهای رأی حاضر شوند. مجمع ملی کویت تنها ارگان انتخابی در کشورهای حاشیه خلیج فارس است.

تهران تایمز - ۱۵ اکتبر ۱۹۹۶

\*\*\*

### ● مرد و خیارها!

روزی بود و روزگاری بود. روزی مردی برای خیار دزدی وارد باغی شد. یواشکی خود رابه جالیز خیارها رساند. در همان حال با خود فکر کرد: «حالا من، یک کیسه پُر از خیار می‌کنم، و بعد آن‌ها را می‌فروشم. با پول فروش آنها یک مرغ کوچک می‌خرم. مرغ، تخم می‌گذارد و آن‌ها را می‌گذارم زیر مرغ تا جوجه شوند، جوجه‌ها را بزرگ می‌کنم بعد آن‌ها را می‌فروشم، با پول آن‌ها یک بچه خوک ماده خریداری می‌کنم، خوک را بزرگ می‌کنم و خوک دارای توله می‌شود. توله خوک‌ها را بزرگ می‌کنم و آن‌ها را می‌فروشم. بعد با پول آن‌ها یک توله‌سگ می‌خرم. سگ بچه‌دار می‌شود و آن‌ها را بزرگ می‌کنم و به‌فروش می‌رسانم. با پول فروش آن‌ها خانه و باغ خریداری می‌کنم. در باغ خیار می‌کارم، ولی اجازه نمی‌دهم کسی خیار از باغ من بدزدد! نه، من عده‌ای را استخدام می‌کنم تا از جالیز خیارها نگهداری کنند. و خودم مرتب به آن‌ها سرکشی می‌کنم و فریاد می‌زنم.

«آهای مواظب باشید!»

او چنان فریاد بلندی کشید که نگهبان باغ شنید، دوان، دوان آمد. و کتک مفصلی به آن مرد زد.

«لثو تولستوی»

ترجمه محمد رضا پنجوانی

## ● بچه دزدی برای هدفهای سیاسی

سان سالوادور: در جریان جنگ داخلی السالوادور، نیروهای دولتی برای به زانو درآوردن چریک‌های کمونیست این کشور و تضعیف روحیه آن‌ها به دزدیدن فرزندان خردسال آن‌ها مبادرت می‌کردند. هدف اصلی این بود که والدین کودک ربوده شده برای پس گرفتن بچه مراجعه کنند و نه تنها این‌که به دام افتند، بلکه دیگران را هم لو بدهند. بسیاری از این والدین از ترس جان مراجعه نکردند و بچه‌های آن‌ها پس از مدتی نگهداری، جهت فرزندخواندگی به کشورهای دیگر فرستاده - شاید هم فروخته - شدند از جمله آمریکا، فرانسه، ایتالیا و...

در چند سال اخیر که جنگ داخلی پایان یافته، خانواده‌ها به جستجوی فرزندان خود پرداخته‌اند و با کمک یک استاد دانشگاه به نام دکتر «کورشنر» موفق به یافتن صدها تن از آن‌ها شده‌اند. دیروز یکی از بچه‌ها به نام «املدا» که اینک ۱۸ ساله و در ۱۲ سالگی به یک خانواده آمریکایی سپرده شده است به پدرش، یک چریک کمونیست سابق، بازگردانده شد او گفت که زندگی در کلبه پدرش را برخانه آمریکایی مرفه ترجیح می‌دهد. از همه این بچه‌ها آزمایش DNA به عمل آمده است تا ثابت شود که به پدر و مادر اصلی‌شان تحویل می‌شوند. ایران نیوز - ۱۵ اکتبر ۱۹۹۶

## ● درباره بیماری ایدز

هیئت تحریریه ماهنامه وزین چیستا - با سلام و آرزوی موفقیت روزافزون. در صفحات ۲۷۷ و ۲۷۸ ماهنامه شماره‌های ۱۳۲ و ۱۳۳ آن مجله مقاله‌ای از کتاب آسیب‌شناسی پایه نوشته رایینز نوشته شده که حاوی نادرستی زیر است:

برخلاف آنچه در مقاله یاد شده آمده است بیماری ایدز را آمریکاییان کشف نکردند. بلکه این بیماری نخستین بار توسط پزشکان فرانسوی شناسایی شد که نام آن را سیدا (SIDA) گذاشتند.

پزشکان فرانسوی، آمریکاییان و بویژه سازمان سیا را متهم کردند که این ویروس از آزمایشگاه مخفی آنان در اثر سهل‌انگاری یا به عمد شیوع پیدا کرده است. دانشمندان و مقامات شوروی سابق نیز این اتهام را تأیید کردند.

۲ سال پیش پزشکان و پژوهشگران فرانسوی با آرایه مدارک لازم ادعای آمریکاییان را در مورد کشف این ویروس رد کردند و موضوع را از طریق دادگاه‌های بین‌المللی پیگیری کردند. این دادگاه‌ها سرانجام حق را به فرانسویان دادند.

متأسفم که ماهنامه وزین چیستا به نوعی سخنگوی ترهات آمریکاییان شده است. جا دارد به‌طور کلی هر نوع اطلاعاتی که از این بخش از دنیا به دست می‌رسد مورد شک و تردید قرار گیرد. مگر این‌که خلاف آن ثابت شود و فقط در آن صورت است که می‌توان آن را در اختیار عموم قرارداد. در ضمن درصد مقاله‌های ترجمه شده از منابع آمریکایی در ماهنامه رو به افزایش است. با سپاس از توجه ویژه شما

محمد زاهدی - ۱۵/۱۰/۷۵